



نوشته ی : اسماعیل فروغی

## آشتی با طالبان یا سپردن اختیارات بیشتر به پاکستان ؟

در حالیکه فقط چند روز محدود به کنفرانس لندن باقیمانده است ، طی روز های اخیر ، هم از رسانه های گروهی غرب و هم از زبان سخنگویان رییس جمهور کرزی ، پیهم و به تکرار در باره ی امکان آشتی با طالبان و حذف نام رهبران بلند پایه ی آنان از لست سیاه سازمان ملل متحد ، اخبار و گزارشهایی به نشر میرسند. این اخبار و گزارشها که بوضاحت سازمان یافته به نظر میآیند ، درست زمانی به نشر میرسند که قرار است طی کنفرانس لندن بطور مشخص به مسأله ی آشتی با طالبان و سپردن اختیارات بیشتر به پاکستان در حل مسایل افغانستان و منطقه ، نیز پرداخته شود . ناظران به این باور اند که ، کنفرانس لندن در پهلوی اهداف دیگر ، هدف پاکستانیزه کردن جنگ افغانستان را نیز میتواند در قبال داشته باشد. از قراین بر میآید که ، انگلیسان و امریکاییان آرزو دارند بار دیگر سرنوشت جنگ و صلح در افغانستان را بیشتر بدوش آی اس آی پاکستان بگذارند — بدوش آنانیکه از سالها قبل ، هم در ایجاد و بازی سناریوی جهاد و هم در نگارش و نمایش درامه ی طالبان ، امریکاییان و انگلیسان را گام بگام یاری رسانیده اند .

شواهد نشان میدهد که طرح پاکستانیزه کردن جنگ در افغانستان و منطقه ، و قایل شدن حق و مقام مبالغه آمیز به پاکستان ، درست پس از اعلام استراتژی جدید بارک اوباما رییس جمهور ایالات متحده امریکا ، قوت گرفته است .

بارک اوباما در استراتژی جدید جنگ برای افغانستان ، به دولت پاکستان و سهم ارزنده ی آن در مبارزه علیه تروریسم و تحکیم دموکراسی ، مقام خاص قایل شده و حتی غلبه بر تروریسم را بدون سهمگیری جدی آنکشور ، ناممکن پنداشته است . او متکی بر همین اهمیت پاکستان است که کمک جدید سالانه یک و نیم میلیارد دلری امریکا به پاکستان را به تصویب میرساند .

همچنان بارک اوباما طی استراتژی جدید خویش ، در حالیکه بیشتر از همه سازمان عربی القاعده را مقصر تمام خشونت‌ها دانسته و آنرا منبع اصلی تروریسم بین المللی ، جنگ در افغانستان و منطقه میپندارد ، از طالبان و خصوصیات سیاسی — عقیدتی و پایگاه اجتماعی آنان تعریف و توضیح روشنی نداده ، آنان را خطر اصلی و مانع عمده در راه تحقق اهداف شان نمیداند .

بارک اوباما با درک این حقیقت که میتواند افغانستان به باتلاقی برای امریکا و ناتو مبدل شود ، در استراتژی جدید خویش ، راههای گونه گون تسلط بر جنگ از جمله حتی کنار آمدن با طالبان را در نظر گرفته که از راه سپردن نقش و اختیارات بیشتر به پاکستان میخواهد به آن دست بیابد . اوباما با تأکید درینمورد گفته است : " در کشوری که فقر شدید و جنگها در جریان دهه ها بیداد نموده است ، صلح بدون آشتی با دشمنان سابق محال است . " رییس جمهور اوباما با تحلیل رؤ یایی خویش در استراتژی جدید جنگ ، طالبان را به طالبان معتدل و طالبان افراطی تقسیم نموده ، راه اکثریت آنانرا از راه القاعده جدا میداند . او به این باور رسیده است که : القاعده را که ضد منافع امریکاست ، نابود باید کرد و با طالبان که میتواند به آسانی زیر کنترل پاکستان بیاید ، کنار باید آمد .

اما اینکه ، آیا این برداشت رییس جمهور اوباما درست و کار آمد خواهد بود ، شک وجود دارد .

اینکه آیا میتوان القاعده و طالبان را از هم جدا پنداشت ، باور کردنی به نظر نمیرسد . و اینکه آیا با سپردن اختیارات بیشتر به پاکستان جنگ و خشونت در افغانستان ومنطقه به پایان خواهد رسید ، دور از حقیقت است . زیرا تجربه نشان داده است که دولت پاکستان از سالها به اینسو فقط و فقط در ویرانی و نابودی افغانستان کوشیده است نه در آبادی و آرامی افغانستان و پایان بخشیدن جنگ و خشونت در این کشور .

بهر حال ، چنین بنظر میرسد که امریکاییان به مشوره ی یاران انگلیسی شان ، یکبار دیگر قصد سپردن نقش بیشتر به پاکستان را دارند . و بخاطر تحقق این نیت شان از چند ماه بدینسوست که کوششها ی چند جانبه یی به جریان افتاده است .

درست پس از طرح استراتژی جدید بارک اوباما بود که گوردون براون صدراعظم انگلستان نیز طی سخنرانی ای از شورای کویته ی طالبان نام برده ، دولت افغانستان را به نزدیکی و مذاکره با آنان تشویق و ترغیب نمود . ایشان در عین حال از رییس جمهور کرزئی خواستند تا از نزدیکی زیاد با دشمنان دولت پاکستان

بپرهیزند . در ادامه ی این سخنان گوردون براون ، تبلیغات گسترده یی در مورد حذف نام رهبران بلند پایه ی طالبان از لست سیاه ملل متحد ، مسافرتها ی پیهم رهبران کشورهای امریکا و بریتانیا به افغانستان و پاکستان پیش از تدویر کنفرانس لندن و بالاخره آماده کردن طرح مشخص مذاکره با طالبان از سوی دولت افغانستان ؛ همه گواه این حقیقت است که کاسه یی زیر نیم کاسه بوده ، بازهم انگریزیان و امریکا بیان پلان شوم دیگری بخاطر ادامه ی سناریوی ناکام جنگ و بی ثباتی در افغانستان ، در دست تهیه و تطبیق خواهند داشت . هرچند مردم رنج دیده ی افغانستان ، از هر اقدام صلحجویانه و خیرخواهانه ، ( حتی کنار آمدن با طالبان ) که به ختم جنگ و ویرانی در کشور شان بینجامد ، حمایت مینمایند ؛ اما این هرگز بآن معنی نیست که بار دیگر ویرانی کشور شانرا بدستور و خواست آی اس آی پاکستان به تماشا بنشینند . مردم ما و جهانیان به حافظه دارند که طی سی سال گذشته ، حکومتها ی متعدد پاکستان با چه نیرنگهای مزورانه یی افغانها را بجان هم انداخته ، با سوء استفاده از جهاد و به بهانه ی جهاد ، کشور ما را به آتش کشیدند و بنیاد های مادی ما را نیست و نابود نمودند .

پاکستان به یاری عمال و نوکران خویش ، مردم ما و بخصوص مجاهدین ما را به گروهها و پارچه های مختلف تقسیم کردند و آنان را واداشتند و ترغیب نمودند تا هرکدام به اندازه و توان خویش خانه ی خود را ویران نموده و در چپاول و غارت این خانه ی ویران شده از همدیگر پیشی بجویند . پاکستان بسیار ماهرانه موفق شد تا آنگونه که رهبران نظامیگر شان آرزو میکردند ، کابل را به یاری عمال خویش در کام آتش فرو برده ، بر روی ویرانه ها ی پایتخت کشور ما یکجا با عمال خویش ، رقص و پایکوبی نمایند .

آنان به این هم بسنده نکرده ، به یاری عمال و ایادی قرون وسطایی خویش ، بر هویت و فرهنگ ملی ما تاختند . افتخارات فرهنگی و تاریخی ما را به نابودی کشاندند و بسیار کوشش نمودند تا نام ما را نیز بعنوان ملتی مستقل از صفحه ی روزگار بزدایند .

در حالیکه اینهمه کوششهای مزورانه و دشمنانه ی پاکستان را ، که بدون شک همه به اشاره و یاری مستقیم حامیان غربی اش صورت میگرفت ، تاریخ بخاطر سپرده و مردم ما تا هنوز از درد آن رنج میکشند ؛ دولتمردان افغانستان هرگز حق اینرا ندارند تا در زیر فشار حامیان بین المللی شان " سرمه ی آزموده را باز بیازمایند . " بر دولتمردان افغانستان است تا هوشیارانه به مسایل مورد بحث در کنفرانس لندن از جمله به مسأله ی آشتی با طالبان ، بپردازند . نه از روی احساسات و نه در تحت فشار جامعه ی جهانی و پاکستان .

رهبران افغانستان و حامیان بین المللی شان باید بدانند که مردم افغانستان هرگز آرزوی بازگشت به خانه جنگی های حزبی — تنظیمی دیروز که همه به کوشش سازمان استخبارات پاکستان ، براه میافتاد، ندارند . آنان اینرا هم باید بدانند که مردم هرگز آرزوی بازگشت بروز های سیاه دوران طالبان را نیز ندارند که آنهم توسط پاکستان بر ملت ما تحمیل گردیده بود .

مردم آشتی و عدالت میخواهند . مردم آزادی و صلح واقعی میخواهند .

پایان